

گفتگو با محمد حیدرعلی

شفافیت در قراردادهای نفتی، ضرورتی انکارناپذیر

قراردادهای منعقد شده در حوزه نفت و گاز همواره از پرجالش ترین مباحث بوده و هست. قراردادهای بیع متقابل نفتی که برای اولین بار در منابع نفتی ایران تجربه شد از جمله اینهاست در این بخش گفتگویی کوتاه با سردبیر ماهنامه گزارش در سالهای گذشته انجام داده ایم. تا مروری بر این نوع از قراردادها و مشکلات آن داشته باشیم. این مصاحبه با حذف سوالات تنظیم شده است.

در مورد قرارداد بیع متقابل باید از تاریخچه آن شروع کنیم، اولین مطلب در این زمینه را ماهنامه گزارش منتشر کرد، بیع متقابل یکی از راهکارهای آزادسازی اقتصادی جهان و جهانی شدن بود، با هدف آسان ساختن جریان سرمایه از کشورهای صنعتی به جهان سوم. روح و ماهیت این قرارداد برای برخی کشورهای مفید بود برای برخی دیگر نه، در این شرایط شرکت کشور یا کمپانی با کارتل ثروتمند با توجه به یک یا چند فاکتور می آمد و در یک کشور عقب مانده یا در حال توسعه سرمایه گذاری می کرد. عواملی که مورد نظر بود؛ عبارت بودند از دسترسی به مواد اولیه، نیروی کار ارزان و انرژی ارزان، به هر حال قرارداد Buyback در زمینه تولید اجرا می شد. مثلاً فورد آمریکا چون دستمزد در کره جنوبی پایین بود خط تولید را در آنجا راه انداخت و بازار آن کشور را هم در اختیار گرفت و از سود حاصل از این تولید که ایجاد اشتغال و درآمد می کرد، استفاده نمود و طبق قرارداد هر سال مبلغی علاوه بر سود برای جبران سرمایه گذاری برمی داشت.

بعد از جنگ جهانی دوم، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی یک برنامه ی توسعه ای ارائه کردند، به نام UNCTAD که اجرای آن تا میانه دهه ۱۹۷۰ ادامه داشت و برای جهان سوم، جز موارد استثنایی ثمری نداشت. پس از این مرحله در ظاهر برای توسعه کشورهای عقب مانده و در باطن برای تامین منافع کشورهای ثروتمند و کمپانی های فراملیتی برنامه های اقتصادی پیچیده جدیدی ارائه شد، که قراردادهای نوع بای یکی از آنها بود. اولین بار این نوع از قراردادها در آمریکای لاتین، آفریقا و جنوب شرقی آسیا بسته شد.

همه این قراردادها در حوزه تولید بودند و نه برای بهره برداری از ثروت تجدیدشدنی نفت و گاز، یعنی در واقع بیشتر در صنایع کوچک و متوسط کاربرد داشته که حتی در این رشته هم عمر آن به سر آمد.

به این دلیل می گویم عمر این قراردادها در صنایع کوچک و متوسط هم به سر آمده که تا دهه ۱۹۹۰، ۷۵ درصد مبادلات جهانی در حوزه ی تجارت بود، اما الان چیزی حدود نود درصد از مبادلات جهانی، سفته بازی یا دلالی با پول است. اما چیزی که ما یک دفعه متوجه و شوکه شدیم. این بود که اکتشاف، استخراج و تولید نفت ایران مشمول قرارداد بای بک شد. ما خبردار شدیم چنین قراردادهایی بسته شده، اولین مطلب هم فکر کنم در همین گزارش چاپ شد، که قرارداد Buyback یعنی چوب حراج به ثروت تجدیدناشدنی به هر حال بای بک در صنعت نفت مفهوم ندارد حتی در شیلات هم مفهوم ندارد. مثلاً برای صید ماهی خاویار قرارداد بای بک بندهیم. چون طرف قرارداد کشتی می آورد و سه ساله نسل ماهی را از بین می برد. بعد از این قرارداد بای بک، انعقاد قراردادهای نفتی و گازی در این چارچوب به صورت عادی درآمد الان در قراردادهای نفتی و گازی نه قوانین عادی رعایت می شود و نه قانون اساسی، الان بزرگترین دارایی ما نیروی انسانی است و بعد از آن بزرگترین دارایی ها برای خروج از دایره بسته توسعه نیافتگی همین نفت و گاز است. شما هیچ یک از شرایط و ضوابطی را که برای انعقاد قراردادهای نفتی می بایست رعایت شود، نمی بیند، الان هم فکر نمی کنم رعایت بشود.

بر اساس نص صریح قانون اساسی، باید قراردادهایی از این دست به تصویب مجلس برسد، اما این اتفاق برای قراردادهای نفتی نیفتاده است.

این یکی از ایرادات اساسی است که چرا قراردادها به اطلاع مجلس نمی رسد، من هنوز شک دارم مجلس از متن این قراردادها اطلاع داشته باشد.

یک دوره ای بود که نفت را پیش فروش می کردیم، در دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی، هم به دلیل ریخت و

پاش ها و هم نیاز شدید به درآمدهای ارزی، نفت پیش فروش می شد، اما حتی کارشناسان هم نمی دانستند در صورت افزایش قیمت نفت بهای نفت های پیش فروش شده چگونه محاسبه خواهد شد،

قراردادهای بیع متقابل که ماهیتا هم، پیچیده هستند و بیشتر در همین دوران که بهای جهانی نفت پایین و زیر ده دلار بود بسته شد. حالا هم در صورت انتشار متن قراردادها در صورت انتشار زمان زیادی طول می کشد تا کارشناسان حقوقی بتوانند آن را تحلیل کنند.

قراردادهایی بیع متقابل فقط رقمش مهم نیست امتیازاتی که به این کمپانی ها دادند مهم است.

الان دوران قراردادهای بیع متقابل در نفت ایران هم به پایان رسیده است. اما در شرایط کنونی، نوع قراردادهای حاضر را نمی توان مشخص کرد. به نظر من یکی از کلیدی ترین وظایف نمایندگان این است که با توجه به وضعیت موجود، یک نهضت در زمینه ساماندهی به همه جنبه های نفت و گاز ایجاد کنند. در بودجه ۸۷ به نقل از مرکز پژوهش ها که متن آن را شما هم می توانید در دیدارگاه این مرکز بباید، فقط دولت و شرکت ملی نفت در زمینه درآمدهای نفتی اشراف و اختیار دارند و نظارت مجلس تقریباً حذف شده است که این اشتباه است و من به عنوان یک ایرانی به آقای احمدی نژاد توصیه می کنم بدعت نگذارند.

متن قراردادهایی که بسته شده به هیچ وجه محرمانه نیست، در واقع کسانی که اینها را مخفی کرده اند، قانون اساسی را نقض کرده اند. وقتی امام می گوید مجلس در راس امور است. پس کدام قدرتی است که اراده می کند قراردادها را به مجلس ندهد. حتی مرکز پژوهش ها نتوانسته است در این مورد اظهار نظر کند. متأسفانه بی انضباطی و سر خود کار کردن از حوزه نفت به بقیه بخش های اقتصاد کشیده شده است.

